

## تحقق دوگانه نظم/آشوب (کاسموس/خائوس) در ویژگی‌های بصری روزنامه ایران در دوره ناصری

### چکیده

نظم/آشوب از مهم‌ترین مفاهیم دیالکتیکی نشانه‌شناسی لوتمان است که تعلق نظام‌های نشانه‌ای را به فرهنگ و نا-فرهنگ آشکار می‌کند. هدف این پژوهش آن است که دریابد این نشانه‌ها در سپهر نشانه‌ای روزنامه‌های دوره ناصری چگونه به تصویر درآمده است و ویژگی‌های بصری روزنامه ایران را با توجه به این دو مفهوم مطالعه کند و بدین منظور با ارائه الگویی تحلیلی برای درک مفاهیم مذکور و تبیین ویژگی‌های بصری روزنامه ایران، در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که: کنش متقابل نظم و آشوب در یک سپهر نشانه‌ای چگونه باعث فهم‌پذیری عناصر فرهنگی می‌شود؟ و دوگانه مذکور چگونه در ویژگی‌های بصری روزنامه ایران منعکس شده است؟ این مقاله از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر روش تجزیه و تحلیل توصیفی-تحلیلی و با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان است. شیوه گردآوری اطلاعات به روش اسنادی، جامعه آماری آن تمام شمارگان روزنامه ایران و انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های بصری روزنامه ایران در یک فرآیند تاریخی و در پی کنش میان نظم و آشوب در سپهر نشانه‌ای ایران تثبیت شد و در این صیورت با عبور از برخی هنجارهای پیشین در انتشار روزنامه‌ها به هویتی آمیخته دست یافت که از نزدیکی به «دیگری» فرهنگی و آمیزش با خود-الگوهای فرهنگی پدید آمده‌اند.

### واژگان کلیدی:

نشانه‌شناسی فرهنگی؛ نظم/آشوب؛ آنترپپی؛ مطبوعات دوره قاجار؛ روزنامه ایران

دوگانه نظم/آشوب (خائوس/کاسموس) یکی از مفاهیم بنیادین نشانه‌شناسی فرهنگی و همچنین یکی از ساحت‌های متضاد کهنی است که در اندیشه‌ی بشر بکار رفته است. پیشینه بکارگیری این مفهوم دوگانه به باور یونانیان بر می‌گردد که بی‌نظمی/خائوس را خدایان به نظم/کاسموس مبدل کرده‌اند. افلاطون این نظم را به دمیورژنسبست داد که با نظر به عالم مثال اقدام به نظم بخشی به ماده‌ی بی‌نظم و آشفته می‌کند (کاپلستون، ۱۳۸۰، ۲۲۰) و بعدها نظم به مثابه یکی از مهم‌ترین ارکان براهین کلاسیک برای اثبات مفاهیم گوناگون بکار رفته است. اما مفهوم نظم در نظریه نشانه‌شناسی فرهنگی برای تبیین ویژگی‌های تثبیت شده فرهنگ به مثابه حافظه جمعی و آگاهی برآمده از آن بکار می‌رود. هنگام پیدایش آشوب (چه از طریق حضور عناصر بیرونی و چه از طریق پیدایش رمیش در درون سیستم) سیستم دچار گسستگی می‌شود و این وضعیت با ارجاع به حافظه تاریخی و هنجارهای سیستم به مثابه نظم و ساختار ممکن است برطرف شود و بدین ترتیب داده‌ها نوین در سیستم پذیرفته، فهم‌پذیر و تثبیت شده و موجب حیات نوینی در هویت فرهنگی می‌شوند. با پیدایش مطبوعات و روزنامه‌ها به عنوان یک عنصر برآمده از تعاملات بینا فرهنگی در «سپهر نشانه‌ای» ایران عصر قاجار، فصل نوینی از حیات فرهنگی ایران آغاز شد و این حضور نیروهای ناآشنا به مثابه آشوب در سپهر فرهنگی ایران پدیدار شد. بدین ترتیب ویژگی‌های بصری روزنامه‌های این عصر به مثابه یک فضای نشانه‌ای متأثر از آشوب، مبین تلاش برای دست یافتن به زبان بصری است که در یک استمرار تاریخی سامان یافت. فرهنگ بصری ایران در اولین مواجهه با نیروهای بیرونی توانست نظم درونی خود را به طور نسبی به عناصر وارداتی القا کند. تثبیت چاپ سنگی و انتشار نخستین روزنامه‌های فارسی چون «روزنامه وقایع اتفاقیه»، «روزنامه وقایع»، «روزنامه دولت علیه ایران» و سایر روزنامه‌های دولتی در دو دهه نخست حکومت ناصرالدین‌شاه، دستاورد مهم این فرآیند است. اما تغییرات مهم سیاسی و اجتماعی ادوار بعدی حکومت ناصرالدین‌شاه، انتشار روزنامه‌ها را دستخوش تحولات مهم دیگری کرد. بدین ترتیب انتشار روزنامه‌های دولتی مجدداً با چالش‌ها و «آشوب» جدیدی مواجه شد و تلاش مضاعفی برای ایجاد سامان یافتگی بیشتر بر نظم نسبی پیشین آغاز شد. این پژوهش بر آن است به این مساله بپردازد که انتشار روزنامه «ایران» در این دوره چگونه به مثابه استمرار «نظم» در «آشوب» پدید آمد و این فرآیند چگونه در ویژگی‌های بصری آن انعکاس یافت. هدف اصلی این پژوهش تبیین چگونگی استمرار و تحقق نظم در آشوب مطبوعات در سپهر نشانه‌ای ایران عصر ناصری است. برای درک بهتر مفاهیم پیش از تحلیل نمونه‌ها، به تعریفی کلی از نشانه‌شناسی فرهنگی اشاره خواهد شد و سپس با تبیین مفهوم خائوس/کاسموس در نشانه‌شناسی فرهنگی، وجوه گوناگون این مفهوم و نسبت آن با مفهوم آنتروپی تشریح خواهد شد و در مرحله بعدی ویژگی‌های بصری روزنامه ایران تا پایان دوره ناصری تحلیل و بررسی شود.

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر نوع کیفی است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی-تحلیلی و با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان با تمرکز بر دو مفهوم «نظم/کاسموس» و «آشوب/خائوس» صورت پذیرفته است. شیوه گردآوری اطلاعات بر پایه روش اسنادی و جامعه آماری آن تمام شماره‌های روزنامه ایران در دوره ناصری بوده و نمونه‌های مورد اشاره در این تحقیق به شکل هدفمند از میان این شماره‌ها انتخاب و تحلیل شده‌اند.

## پیشینه پژوهش

بخش نخست پیشینه این پژوهش معطوف به روش‌شناسی و درباره مفاهیم نظم، آشوب و آنتروپی است. پاکتچی (۱۳۸۳) در مقاله‌ی «مفاهیم متقابل طبیعت و فرهنگ در حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب تارتو/مسکو» در تشریح دو مفهوم طبیعت و فرهنگ در نشانه‌شناسی فرهنگی به الگوی تقابلی خائوس و کاسموس پرداخته است. همچنین پاکتچی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «معناسازی با چینش آشوب در نظم در رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی» دوگانه نظم و آشوب را به مثابه شیوه‌های پدید آمدن معنا در هنرهای تصویری مطالعه کرده است. الگوه جونقانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «پژوهشی درباره ساختار اثر هنری از چشم‌انداز لوتمان»، ابعاد گوناگون نظریه لوتمان درباره ساختار اثر هنری و نظریات لوتمان درباره نقد ادبی و مفهوم نظم در اثر هنری را تشریح کرده است. احمدی و بیگزاده (۱۴۰۲) در مقاله‌ی «تحلیل رمان‌های مهاجرت بها طاهر بر پایه کاسموس/نظم و خائوس/آشوب مطالعه موردی: رمان مهاجرت عشق در تبعید و مجموعه داستان زمستان ترس» دو مفهوم خائوس

و کاسموس را برای تحلیل متن ادبی بکار برده‌اند و در این تحلیل بر نقش آشوب در ایجاد واکنش‌های مخاطب و برانگیختن توجه به محتوای اثر تاکید کرده‌اند. همچنین بیگزاده و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل تطبیقی آشوب و نظم در رمان‌های چاه بابل و واحه غروب بر پایه الگوی نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان» مفاهیم مذکور را برای تحلیل متون ادبی بکار برده‌اند و بر نقش فعال این دو مفهوم در ارائه ساختار روایی داستان متمرکز شده‌اند. طایفی و سهرابی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقد نشانه‌شناختی کارکرد آشوب در نظم در باب اول گلستان سعدی» با تاکید بر این دو مفهوم متضاد در ساختار روایت، معتقداند ارتباط میان کنشگران روایت برآمده از یک جایگاه اجتماعی است و تقابل‌های این کنشگران با این دو مفهوم ارتباط دارد. لازم به ذکر است این پژوهش‌ها براساس ویژگی‌های روش‌شناختی متناسب با این تحقیق طبقه‌بندی شده‌اند.

در مطالعات تجسمی افتخاری یکتا و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم جایگاه بدن ناصرالدین شاه در تالار آینه کمال‌الملک بر مبنای نظریه یوری لوتمان»، جایگاه بدن ناصرالدین شاه در تالار آینه کمال‌الملک را با تاکید بر تقابل میان فرهنگ و نه-فرهنگ مطالعه کرده و با یک استنباط روش‌شناختی با تمرکز بر مفهوم آشوب، ویژگی‌های بدن ناصرالدین شاه و تاثیرات فرهنگی سپهرنشانه‌ای این دوره بر بازنمایی بدن وی را تبیین کرده‌اند. همچنین افتخاری یکتا و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل گفتمانی نحوه قرارگیری بدن فتحعلیشاه و بدن ناصرالدین شاه در سپهر نشانه‌ای قاجار» بررسی تقابل دوگانه فرهنگ و نه-فرهنگ در سپهر نشانه‌ای قاجار با استفاده از مفهوم «تن-نشانه» در رویکرد نشانه‌شناسی لوتمان نحوه نمایش بدن هر دو پادشاه به مثابه «تن خود درون فرهنگ» در مواجهه با «تن دیگری درون نه-فرهنگ» را به مثابه نظم و آشوب تبیین کرده‌اند. حقایق و شایسته‌فر (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تقابل «خود» و «دیگری» در دوندگاره از شاهنامه شاه تهماسب و شاهنامه شاه اسماعیل دوم، تحلیلی بر مبنای الگوی نشانه‌شناسی فرهنگی» با در نظر گرفتن برخی از عناصر تصویری یکی از نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسب به مثابه آشوب/ دیگری درصدد تبیین نحوه مواجهه فرهنگی میان دو سپهرنشانه‌ای ایران عصر صفوی و عثمانی و کارکردهای ایدئولوژیک این نگاره بوده‌اند.

سوی دیگر، پژوهش‌های منتخبی است که با روش‌های دیگر به تحلیل نشریات دوره قاجار پرداخته‌اند. اثنی عشر (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «گذری بر بازتاب‌های اجتماعی تصویر ناصرالدین شاه در مطبوعات مصور درباری (مورد مطالعاتی تصویر ناصرالدین شاه در نمره ۱ روزنامه شرف)» بر مطالعه تصویر ناصرالدین شاه در روزنامه مذکور متمرکز شده و به ارتباط میان آثار هنری و ساختار سیاسی و اجتماعی این دوره تاکید دارد. پنجه‌باشی و دادور (۱۳۹۲) نیز در مقاله «مطالعه تطبیقی سرلوحه شماره‌های نخست روزنامه‌های وقایع اتفاقیه و دولت علیه ایران» با تاکید بر اهمیت دو روزنامه وقایع اتفاقیه و دولت علیه ایران، به واکاوی و تبیین ویژگی‌های بصری سرلوحه این دو روزنامه پرداخته‌اند. فرقانی و حمزه‌ئی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب مولفه‌های فرهنگ مدرن در مطبوعات عصر قاجار (بررسی روزنامه وقایع اتفاقیه و اختر)» با تمرکز بر دو تحلیل این دو روزنامه مهم دوره ناصری، به تفاوت معنادار در ویژگی‌های محتوایی، بصری و فرهنگی این دو نشریه اشاره کرده‌اند. افضل طوسی و محمدخانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های بصری روزنامه‌های دوره قاجار در گذار از چاپ سنگی به چاپ سربی» در پی یافتن تاثیرات تکنولوژی چاپ بر گرافیک روزنامه‌ها بوده و در این راستا ویژگی‌های بصری برخی از روزنامه‌های شاخص دوره قاجار را مطالعه کرده و معتقداند که تکنیک چاپ سربی امکانات متنوع‌تری را از نظر گرافیک برای نشریات فراهم کرده است.

علاوه بر موارد فوق، کتاب‌های: صدر هاشمی (۱۳۶۳) با عنوان «تاریخ جراید و مجلات ایران»، محیط طباطبایی (۱۳۶۶) با عنوان «تاریخ تحلیلی مطبوعات» و قاسمی (۱۳۸۰) با عنوان «سرگذشت مطبوعات ایران، روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه» در شناسایی ویژگی‌های تاریخی مطبوعات ایرانی منابع مهمی هستند که در تدوین این پژوهش به آنها استناد شده است.

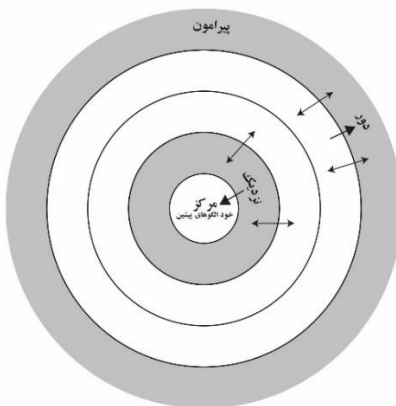
وجه تمایز این پژوهش تمرکز بر ویژگی‌های بصری روزنامه «ایران» به عنوان یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های عصر قاجار است که کمتر بدان پرداخته شده و همچنین ارائه تحلیلی نشانه‌شناختی از ویژگی‌های بصری این روزنامه بر اساس مفهوم نظم/کاسموس و آشوب/خائوس است که پیشتر در مطالعات هنرهای تجسمی به آن توجه نشده است. نوآوری این نوشتار علاوه بر تمرکز بر مطبوعات دوره ناصری به عنوان بخش کمتر مطالعه شده آثار دوره قاجار، در بعد روش‌شناختی آن است که از منظری نو به تحلیل ویژگی‌های بصری مطبوعات قاجار نگریسته است.

لوتمان<sup>۴</sup> در جای جای آثارش از تقابل میان نظم و آشوب سخن گفته است. او در کتاب جهان ذهن (Lotman, 1990) به نسبت میان «خائوس» و «کاسموس» در سپهرنشانه‌ای اشاره کرده و نقش خودآگاهی و خودانگیختگی را در نسبت با سامان یافتگی مفاهیم تشریح کرده است. همچنین در کتاب ساختار اثر هنری (Lotman, 1977) به تبیین نظریات خود درباره نقد ادبی پرداخته و در خلال آن به نسبت میان دو مفهوم «نظم» و «آنتروپی» اشاره کرده است. او در این کتاب نشان داده که چگونه متن هنری در اثر افزایش آنتروپی<sup>۵</sup> از زبان متمایز می‌شود و سرانجام توسط هنر به مثابه نظام نظام‌ها مجدداً سازمان‌دهی می‌شود. لوتمان در کتاب فرهنگ و انفجار (۱۳۹۷) که آخرین نوشته اوست به بررسی ابعاد گوناگون امر «پیش‌بینی‌ناپذیری» و افزایش آنتروپی پرداخته و نسبت میان نظم و مفهوم «تدریجی‌شدگی» را در این کتاب تشریح کرده است. همچنین در مقاله‌ای با بوریس اوسپنسکی (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۶) ساز و کار کلی فرهنگ به مثابه یک الگوی دوگانه تقابلی را تشریح می‌کند.

این توجه به الگوی دوگانه تقابلی در کنار توجه لوتمان به مطالعه فرهنگ‌ها به مثابه نظام‌های نشانه‌ای معنادار می‌شود. یوری لوتمان در دوره اولیه آثارش به یک ساز و کار سیستمی و ساختارمند معتقد بود. او از فرهنگی سخن می‌گوید که عبارت است از «اطلاعات غیر وراثتی و ابزاری به منظور سازماندهی و گفتگو»<sup>۶</sup> (لاروسو، ۱۳۹۸، ۷۲ و ۷۳) به اعتقاد لوتمان فرهنگ «ساخته انسان است و در تقابل با آن چیزی که طبیعی یا خودانگیخته قلمداد می‌شود قرار می‌گیرد (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۶، ۴۲). لذا وظیفه اصلی نشانه‌شناسی فرهنگی از نظر لوتمان سازماندهی جهان پیرامون انسان به شکلی ساختاری است (لاروسو، ۱۳۹۸، ۷۵). هسته اصلی نظریه نشانه‌شناسی لوتمان را مفهوم «سپهرنشانه‌ای» تشکیل می‌دهد که در آن تلقی‌های دوگانه‌ای چون «حاشیه»<sup>۱</sup> و «مرکز»<sup>۲</sup>؛ «خود»<sup>۳</sup> و «دیگری»<sup>۴</sup>؛ «نظم» و «آشوب» و... در بافتاری گره‌خورده از زبان، متن و فرهنگ معنادار می‌شوند. این فضای انتزاعی به مثابه خودآگاهی جمعی در فرهنگی معین در برابر فرهنگ‌های دیگر معنادار می‌شود. بدین ترتیب نظم در درون سپهرنشانه‌ای در برابر آشوبی قرار می‌گیرد که ناشی از تقابل فرهنگ با نه-فرهنگ<sup>۵</sup> است. به بیان دیگر آشوب برآمده از نه-فرهنگ، در مقابل آن عناصری قرار می‌گیرند که هر فرهنگ در درون خود سازماندهی کرده و شناخت و آگاهی بر اساس آنها ممکن می‌شود. (Andrews, 2015, 20) لذا در این مواجهه دیالکتیکی<sup>۶</sup> آنچه در درون سیستم وجود دارد، خود، آشنا، نظم فرهنگ و هویت و هرآنچه بیرون از فرهنگ وجود دارد، آشوب، دیگری، ناآشنا و نه-فرهنگ قلمداد می‌شود. از آنجایی که سیستم در نظر لوتمان یک موجودیت بسته نیست مواجهه با دیگری برای حیات فرهنگی الزامی بوده و رشد درونی یک فرهنگ بدون جریان مداوم از بیرون امکان‌پذیر نیست. «توسعه فرهنگ ... عملی مبادله‌ای است که دائماً وجود دیگری را مطالبه می‌کند. و با این تصویر از دیگری، آگاهی خود از جهان را به گونه‌ای متفاوت رمزگذاری می‌کند» (Tamm, 2019, 76).

### مرکز، حاشیه، نزدیک، دور

در نشانه‌شناسی فرهنگی عناصر درون سیستم دارای موقعیت‌هایی هستند که در نسبت با مرز فرهنگی و به میزان نزدیکی و دوری از آن، در یک سپهرنشانه‌ای، یعنی در نسبت با استمرار تاریخی سنت‌های پیشین و شناخته‌شده فرهنگی موجود در سیستم تبیین می‌شوند. بنابراین دو مفهوم «مرکز» و «حاشیه» در نسبت با این مرز معنادار می‌شوند. «مرکز» محل قرارگیری تثبیت‌یافته‌ترین (مشروع‌ترین) ساختارها و متون است و در مقابل، «حاشیه»، به نظر غیرساختمند و بی‌قائده و نامنظم است (سمنکو، ۱۳۹۶، ۵۵). در حاشیه یا پیرامون سیستم، متون دینامیک‌تری قرار دارند که امکان تنوع و تخطی از عرف‌های مستقر در مرکز را دارند و با قیاس نسبت به مرکز، خنثی‌تر هستند از اینرو مرکز یک موقعیت ایستا<sup>۷</sup> و دارای «نظم» و پیرامون یک موقعیت پویا<sup>۸</sup> و دارای «آشوب» قلمداد می‌شود (نمودار ۱). هر فرهنگ در یک فرآیند پویا و مستمر برای سمانتیزه کردن مفاهیم نو تلاش می‌کند تا در فرآیند «جذب»، این مفاهیم را به «مرکز» نزدیک کند تا آن را به نظم ساختاری سیستم نزدیک کرده و عنصر «خود» را پدید آورد و در مقابل در صورت عدم پذیرش این رمزگان‌ها آنها را «طرده» کند. بدین ترتیب عناصر «دور» دارای آنتروپی بیشتر و عناصر «نزدیک» سامان یافته‌تر و فهم‌پذیرتر و دارای آنتروپی کمتری هستند.

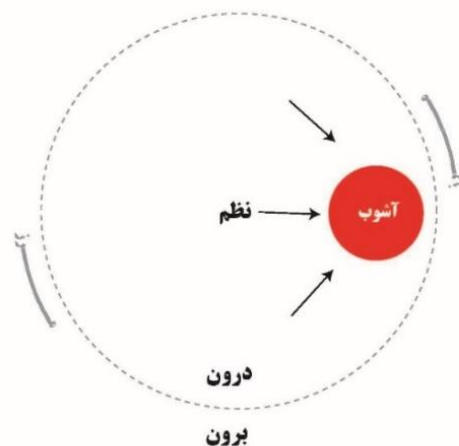


نمودار ۱: الگوی قرارگیری عناصر بر اساس موقعیت دور و نزدیک نسبت به مرکز فرهنگی منبع: نگارندگان

### خائوس / کاسموس / آنترپوپ

سایبرنتیک<sup>۹</sup> به مثابه یک پارادایم فلسفی و روش‌شناختی بر نشانه‌شناسان مکتب تارتو بسیار تاثیر گذاشت: در واقع نشانه‌شناسی فرهنگی با اتکا به این روش درصدد ارائه یک راهکار و رویکرد علم‌گرایی اثبات‌پذیر است که سطوح گوناگون تحلیل‌ها و نتایج را جستجو می‌کند (Kellbert, 2021, 56). لوتمان در کتاب ساختار اثر هنری با اشاره به چگونگی عملکرد نظم و آشوب در متن و با اشاره به نظریه کولمگروف<sup>۲۱</sup> معتقد است آنترپوپ زبان (H) با دو کمیت در ارتباط است؛ یکی ظرفیت معنایی زبان (h1) و دیگری ظرفیت انعطاف‌پذیری زبان برای انتقال اطلاعات (h2). این ظرفیت انتقال معنا و تولید اطلاعات نو (h2) منبع اطلاعات شاعرانه است (Lotman, 1977, 27). همچنین وضعیت آنترپوپ در سیستم، معمولاً ناشی از حضور عناصر غیر قابل پیش‌بینی وارداتی برآمده از «دیگری» است که در اثر تبادل اطلاعات در سیستم حضور یافته‌اند و سیستم تلاش می‌کند تا آنها را قابل پیش‌بینی و فهم‌پذیر کند.<sup>۲۲</sup> لذا افزایش آنترپوپ اطلاعات با افزایش میزان پیش‌بینی‌ناپذیری متن‌ها موجب به تاخیر افتادن معنا شده و کارکردهای ارتباطی را مختل می‌کند اما می‌تواند موجب تولید معناهای نو شود (Ibid).

دوگانه خائوس / کاسموس نیز با الهام از الگوی طبیعت- فراطبیعت از اندیشه فیلسوفان روسی در اوایل سده بیستم میلادی و ناظر بر تقابل میان دو جوهره متضاد برآمده از طبیعت و فرهنگ است (پاکتچی، ۱۳۸۳، ۱۸۹). به طور کلی آشوب در سیستم در دو وضعیت **درونی** و **بیرونی** پدید می‌آید و در هر دو وضعیت، آشوب/ خائوس از یک فرآیند ارتباطی پدید آمده و ناشی از عدم امکان نیل به معرفت و درک صحیح نسبت به معناهاست و نظم نیز همانا نظم ظاهری نیست بلکه حاصل پیدایش معرفت و آگاهی نسبت به معناها و پذیرش و تثبیت عناصر آشوبناک بوسیله سیستم است. نظم/ کاسموس متضمن پایداری و ثبات سیستم، فهم مستمر گزاره‌ها و داده‌ها و انتقال اطلاعات و آشوب/ خائوس موجب اختلال در پایداری سیستم، عدم درک و انتقال داده‌ها، آنترپوپ و تحقق پیش‌بینی‌ناپذیری در سیستم می‌شود. افزایش آنترپوپ سیستم در واقع مبین وضعیتی است که سیستم بایستی برای خلق ایده‌ها و راهکارهای نوین تلاش کند تا مفاهیم نو و غیرقابل‌فهم را فهم‌پذیر کند. لوتمان در آثار متأخر خود با گذار از ساختارگرایی محض به یک رویکرد پساساختارگرا نزدیک شد که در آن، با طرح مفهوم پیش‌بینی‌ناپذیری و انفجار فرهنگی، تحول و نوآوری‌های سیستم را تبیین می‌کرد (Noth, 2015, 13). بدین ترتیب هر فرهنگ مولد «نظم» است و اگر در مواجهه با «آشوب» قرار گیرد باید بتواند آن را در فرآیندی به نظم تبدیل کند. این یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ است که در ساختار هنجارهای بنیادین «خود» که در «مرکز» مستقر است، نظم یافته‌ترین متن را استقرار می‌دهد و در مواجهه با امر بیرونی نیز در صورتی که آن را بپذیرد، نظم درونی خود را به آن القا می‌کند.<sup>۲۵</sup>



نمودار ۲: نحوه مواجهه نظم درون سیستم با آشوب در سپهرنشانه‌ای منبع: نگارندگان

### غلبه نظم/غلبه آشوب/آمیختگی

حال اگر عناصر درونی سیستم بتواند بر نیروهایی فائق آید که مولد وضعیت «آشوب» اند و «آشوبناک» گامیده می‌شوند و این عنصر در موقعیتی در درون سپهرنشانه‌ای تثبیت شود آنگاه فرآیند غلبه «نظم/کاسموس» شکل گرفته و عنصر «به‌سامان»<sup>۳۲</sup> وضعیت «سامان‌یافتگی»<sup>۳۸</sup> پدید می‌آید. این وضعیت معمولاً رویکردی گذشته‌نگر است یعنی سیستم برای خلق وضعیت سامان‌یافتگی به القا خود-الگوهای فرهنگی<sup>۳۹</sup> و پیشینی متوسل می‌شود که ساختارمندترین عناصر و مستقر در مرکز هستند. لوتمان معتقد است دیرپایی رمزگان [در سیستم] از طریق عملکرد اصول بنیادین ساختاری و همچنین پویایی درونی آن [سیستم] و تغییرپذیری آن در حالی که همچنان حافظه پیشین را حفظ کرده است و در نتیجه آگاهی از خود ممکن می‌شود (لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۶، ۴۹). «و هر فرهنگ الگوی خود را از ... تداوم حافظه‌اش می‌سازد» (همان، ۴۷). بدین ترتیب تمایز اصلی فرهنگ و نه-فرهنگ و همچنین تمایز میان خائوس و کاسموس در سازمان‌یافتگی و یا عدم سازمان‌یافتگی آنها پدیدار می‌شود (همان، ۵۹). تثبیت این عناصر اما ممکن است در موقعیت «نزدیک» و یا «دور» در نسبت با مرکز شکل بگیرد که بسته به میزان حضور «خود-الگوها»ی فرهنگی موثر بر عنصر مذکور متغیر خواهد بود. حال ممکن است نیروی آشوب بر حافظه سیستم غالب شود و وضعیت سیستم را تغییر دهد در این حالت می‌تواند فرآیند «فراموشی» آغاز شود که مبین یک تغییر به سوی «دیگری» است (همان، ۴۸). یعنی الگوهای سیستم نتوانسته‌اند پاسخ مناسبی برای نیروهای «آشوبناک» بیابند و یا سیستم درصدد «طرده» برآمده است و به تدریج ممکن است ساختارهای وارداتی بر عناصر درونی سیستم غلبه کنند. <sup>۴۰</sup>وضعیتی دیگری نیز ممکن است خلق شود که در آن ترکیبی از عناصر «آشوبناک» و «به‌سامان» به مثابه عناصر «آمیخته» پدید آیند که نشانگر یک وضعیت بینابین و ترکیبی است و معمولاً توسعه فرهنگی و فهم عناصر نو را ممکن می‌سازد. این وضعیت را لوتمان آمیختگی<sup>۴۱</sup> می‌نامد که بسته به میزان شباهت به عناصر فرهنگ و یا عناصر وارداتی می‌تواند مفهوم آمیخته دور و آمیخته نزدیک را معنادار کند.<sup>۴۳</sup>

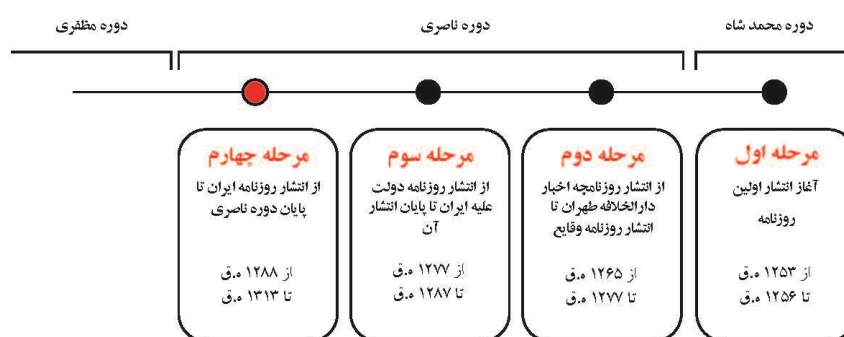


نمودار ۳: موقعیت‌های چهارگانه غلبه نظم و آشوب، منبع: نگارندگان

## یافته‌های پژوهش

### نظم و آشوب در ادوار اولیه مطبوعات دوره ناصری

اولین روزنامه فارسی داخل کشور در دوره محمد شاه قاجار (۱۲۲۲-۱۲۶۴ ه.ق، ۱۱۸۶-۱۲۲۷ ه.ش) به نام کاغذ اخبار منتشر شد اما توسعه و تثبیت روزنامه‌ها در سپهر نشانه‌ای ایران در دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق، ۱۲۲۷-۱۲۷۵ ه.ش) محقق شد. اگر یک نگاه کلی تحولات انتشار مطبوعات از آغاز تا تثبیت وضعیت روزنامه‌ها در دوره ناصری را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:<sup>۳۴</sup>



نمودار ۴: ادوار چهارگانه انتشار روزنامه‌های فارسی تا پایان دوره ناصری، منبع: نگارندگان، با اقتباس از: قاسمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۳۲

این تقسیم بر اساس تحولاتی است که نشریات در سپهرنشانه‌ای این دوره پدید آورده‌اند. پیش از انتشار نخستین روزنامه‌ها، با ورود صنعت چاپ، در سپهر فرهنگی دوره قاجار وضعیت آنتروپیک و آشوبناک پدیدار شده بود. این رویداد در ادامه مواجهه ایرانیان با اندیشه‌های مدرن اروپایی در دوره فتحعلیشاه و محمدشاه به مثابه تبادل بینا فرهنگی، در سپهرنشانه‌ای ایران پدید آمد. وضعیت پدیدآمده ناشی از عدم آگاهی نسبت به حضور مولفه‌هایی بود که سیستم برای آن پاسخی نداشت. از سویی نیاز مبرم به توسعه فناوری‌های نوین، ضرورت استفاده از این رسانه‌ها و دستاوردهای فرهنگی را ایجاد می‌نمود و از سوی دیگر امکانات و توانایی استفاده و همچنین زیر ساخت‌های فکری و فنی این امر موجود نبود. غلبه بر این وضعیت «آشوب» نیازمند فرآیندی تاریخی بود تا سیستم بتواند آن را بپذیرد و پاسخ‌های مناسب را به مثابه «نظم» به آن القا کرده و آنتروپی آنرا کاهش دهد. سیستم در این دوره با «جذب» چاپ سنگی و «طرد» چاپ حروفی، ویژگی‌های فرهنگی خود را به شکل قابل توجهی به عنصر وارداتی القا کرد و چاپ سنگی و ویژگی‌های ایرانی برآمده از تلفیق آن با خود-الگوهای فرهنگی درونی سپهرنشانه‌ای ایران عصر قاجار به عنوان عنصر «نزدیک» و یک الگو در حافظه سیستم تثبیت شد. در واقع «طرد» چاپ حروفی در این مقطع زمانی و توسعه و تثبیت چاپ سنگی، پاسخ

نمودار ۵: وضعیت آشوب در ادوار چهار گانه انتشار روزنامه‌ها تا پایان دوره ناصری، منبع: نگارندگان

به عنوان نمونه در ادوار پایانی انتشار «روزنامه وقایع اتفاقیه»، عناصر تصویری سرلوحه این روزنامه نابسامان و از ریخت افتاده‌اند که لزوم بازنگری در انتشار این روزنامه را آشکار می‌کند (تصویر ۱ و ۲) این وضعیت منجر به انتشار «روزنامه دولت علیه ایران» و آغاز دوره بعدی حیات روزنامه‌های عصر ناصری شد. در این دوره نیازهای درونی سیستم ایجاب می‌کرد که عناوین دیگری از روزنامه‌ها منتشر شود لذا پس از «روزنامه دولت علیه ایران» روزنامه‌های دولتی دیگری منتشر شد. اما در ادوار پایانی انتشار «روزنامه دولت علیه ایران» و سایر نشریات این دوره نیز وضعیت آشوبناک به اشکال دیگر پدید آمد که سرانجام موجب تعطیلی آنها و انتشار «روزنامه ایران» شد (تصویر ۳ و ۴).



تصویر ۲ چپ: آشوب و نابسامانی در سِر لوحه روزنامه وقایع اتفاقیه شماره ۴۵۰ به تاریخ ۲۹ ربیع الاول ۱۲۷۶ ق منبع: همان



تصویر ۳ راست: صفحه اول شماره ۵۸۸ روزنامه دولت علیه ایران به تاریخ: ۲۳ محرم ۱۲۸۳ ق منبع: کتابخانه ملی ایران، URL 1

تصویر ۴ چپ: آشوب و نابسامانی در سرلوحه روزنامه دولت علیه ایران، شماره ۵۸۸ روزنامه دولت علیه ایران به تاریخ: ۲۳ محرم ۱۲۸۳ ق منبع: همان

## روزنامه ایران

دوره اول: چاپ سنگی از شماره ۱ تا ۲۱۶ (از ۱۱ محرم ۱۲۸۸ ق تا ۷ ربیع الاول ۱۲۹۱ ق)

در سال ۱۲۸۷ ق ناصرالدین شاه تصمیم گرفت تا روزنامه‌های متعدد خود را تبدیل به یک روزنامه کند اما به جای هفته‌ای یک شماره، سه شماره در هفته انتشار یابد. مامور انجام این کار محمد حسن خان اعتمادالسلطنه بود که علاوه بر مدیریت نشریات کشور، یکی از مهم‌ترین روزنامه‌نگاران دوره قاجار محسوب می‌شود. بدین ترتیب اولین شماره این روزنامه در تاریخ یکشنبه ۱۱ محرم ۱۲۸۸ ق منتشر شد و شماره ۸۸۰ آن [که آخرین شماره آن در دوره ناصری است] در تاریخ دوشنبه ۶ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ ق انتشار یافته است (آقاسمی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۳۷۳). نکته حائز اهمیت آن است که روزنامه ایران علاوه بر ویژگی‌های بصری خاص، در یک دوره به صورت چاپ حروفی منتشر و سپس به شیوه چاپ سنگی بازگشت که فصل نوینی در انتشار روزنامه‌ها و نشریات ایران را پدید آورد.

در سال‌های انتشار این روزنامه نام افرادی که مسئول امور هنری این نشریه بوده‌اند شایان توجه است. از میرزا عباس نقاش و استاد باسمه‌خانه، مسیو آرشاک حروف‌چین، میرزا کوچک و میرزا سید ولی مرتب حروف، آقا سید محمد علی کاتب، میرزا ابوتراب غفرای نقاش مخصوص دارالطباعة که بعدها از او به عنوان نقاشی وزارت انطباعات و مدیر چرخ حروف یاد شده، همچنین نام آقا محمد ساعت‌ساز مرتب حروف، آقا سید احمد خوشنویس صدرالکتاب کاتب روزنامه، میرزا محمد صادق شمس‌الکتاب خوشنویس، میرزا موسی و میرزا اسدالله نقاش‌باشی و... در این روزنامه نام برده شده است (همان، ۴۸).



تصویر ۵ راست: صفحه اول شماره نخست روزنامه ایران به تاریخ یکشنبه ۱۱ محرم ۱۲۸۸، منبع: روزنامه ایران، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۷ تصویر ۶ چپ: دو تصویر در مقاله

مسائل علمی، صفحه چهارم از شماره ۷ روزنامه ایران. منبع: همان، ۲۸



تصویر ۷: عناصر نسبتاً پرکار تصویری سرلوحه و متن در شماره ۲۲ روزنامه ایران به تاریخ: دهم ربیع‌الثانی ۱۲۸۸ ق و شماره ۳۲ به تاریخ سوم جمادی‌الثانی ۱۲۸۸ ق منبع: روزنامه ایران، ۱۳۷۴، ج ۱، ۸۵ و ۱۲۵

# بقیة مفیدات سفر کابینه اطراف شاهی در مشهد اعلام شاهی در مشهد و اخبار محلی

تصویر ۸: نمونه میان عنوان‌های روزنامه ایران به خط ثلث، منبع: روزنامه ایران، ۱۳۷۴، ج ۱

انتشار روزنامه ایران به مثابه یک «آشوب» ناشی از یک تحول ساختاری مهم است. بر اساس فرمان ناصرالدین‌شاه به اعتمادالسلطنه که در شماره اول این روزنامه آمده، باید «عمل رونامه‌جات... تحت قاعده منضبط گردد» (ایران، ۱۲۸۸ ق، ش ۱) که نشان از آگاهی به یک بی‌نظمی دارد. تقارن انتشار این روزنامه با صدارت حسین خان سپهسالار<sup>۸</sup> یکی از جلوه‌های تغییرات ملموسی بود که در این عصر پدیدار شد. <sup>۹</sup>بگدین ترتیب با انتشار روزنامه ایران، تکرر عناوین و بی‌نظمی انتشار روزنامه‌های پیشین و تغییر نام‌های مکرر آنها در ادوار قبلی پایان یافت و به جای آن، روزنامه ایران با سیمایی متفاوت به عنوان روزنامه رسمی دولت منتشر شد. <sup>۱۰</sup>پیشتر اشاره شد که آشفتگی ظاهری در وضعیت انتشار روزنامه‌ها یکی از نمودهای «آشوب» در این وضعیت است. این آشفتگی ظاهری هم ناشی از ویژگی‌های پرکار صفحه‌آرایی و عنوان‌های این روزنامه‌ها بود که زمان زیادی برای کتابت و ترکیب را ایجاد می‌کرد و هم به دلیل فقدان نیروی ماهر و متخصص تصویرگر و خوشنویس بود که انتشار این روزنامه را دشوار می‌کرد. این به معنی عدم تقارن در سیستم برای پاسخ به نیازها و وقوع «آشوب» است که تلاش سیستم برای برقراری «نظم» را ایجاد می‌کرد. در واقع سیستم در این مرحله با اصلاح برخی نواقص، قصد تثبیت مجدد وضعیت روزنامه‌ها داشت. اما انتشار روزنامه ایران به نوبه خود موجب برهم خوردن نظم نسبی انتشار روزنامه‌های این دوره شد. چون برای ارائه راه‌کارهای نوین بصری انتشار این نشریه نیاز به زمان بود. یعنی این تحول خود به مثابه آشوب برای ایجاد نظم در یک آشوب دیگر پدید آمد. این تنیدگی تحولات سیستم، اصلی‌ترین رویکرد سپهر نشانه‌ای برای غلبه بر یک مولفه ناآشنای وارداتی را آشکار می‌کند که به آن تدریجی‌شدگی گفته می‌شود.<sup>۴۱</sup>



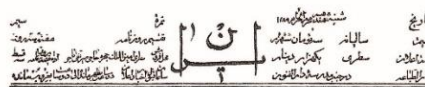
شماره ۲



شماره اول



شماره ۴



شماره ۳



شماره ۶



شماره ۵

تصویر ۹: سرلوحه‌های ۶ شماره اول روزنامه ایران نمودی از آشوب و کوشش برای غلبه بر آن در سیستم است، منبع: همان

در انتشار روزنامه ایران اندازه سرلوحه متناسب با فضای صفحه شد. خط متن نسبت به روزنامه‌های پیشین تغییر چندانی نکرد اما ویژگی‌های عنوان‌ها و میان عنوان‌های آن بلاخص در نسبت با «روزنامه دولت علیه ایران» بسیار ساده‌تر شد و با کتابت به خط ثلث جایگزین شد که نشان از استمرار غلبه نظم متکی به خود-الگوهای خوشنویسی دارد. به نظر می‌رسد این تغییر هم برای سرعت بخشیدن به کتابت متن‌ها و هم برای انسجام بخشی و ایجاد فضای بیشتر برای متن صورت گرفته باشد. با گرایش ساختار صفحات به شیوه آرایش صفحات نشریات غربی، صفحه‌آرایی این نشریه به عنصر «آمیخته نزدیک» تبدیل می‌شود. یعنی نوشتار با اتکا به خود-الگوهای مستقر در مرکز و آرایش صفحات با اتکا به «دیگری» پدید آمده است. این نشریه به شکل تقریباً غیر مصور چاپ می‌شد. در مجموع تمام شماره‌های این نشریه ۱۱ تصویر در این روزنامه درج شده و به نظر می‌رسد که پس از مرگ صنیع‌الملک مساله جایگزینی وی و مصورسازی روزنامه‌ها تا انتشار «روزنامه شرف» و پیش از ورود تکنولوژی گراورسازی، امری چالش برانگیز بوده است و با انتشار غیر مصور روزنامه ایران یکی از موانع انتشار سریع آن بر طرف شد.



تصویر ۱۰: لوگو و سرلوحه تثبیت یافته و به‌سامان روزنامه ایران نمونه یک کریول نزدیک که متکی به «خود» فرهنگی است اما برخی ویژگی‌های دیگری نیز در آن نمایان است. سرلوحه شماره ۸۷، به تاریخ ۱۰ صفر ۱۲۸۹ ق، منبع: همان



تصویر ۱۱ راست: تصویر صفحه اول اولین شماره روزنامه دولت علیه ایران به تاریخ پنجشنبه نوزدهم صفر ۱۲۷۷ ق به شماره ۴۷۲ در این روزنامه سرلوحه نیمی از فضای صفحه اول را اشغال کرده است. منبع: کتابخانه ملی ایران URL 2 تصویر ۱۲ وسط: ویژگی‌های پرکار تصویرگری و نوشتاری در یک صفحه از شماره ۵۱۰ روزنامه دولت علیه ایران، به تاریخ پنجشنبه غره رجب ۱۲۷۸ ق منبع: دولت علیه ایران، ۱۳۷۰، ۳۱۱ تصویر ۱۳ چپ: شباهت به نشریات غربی و ساختار تثبیت یافته در روزنامه ایران، شماره ۸۷، به تاریخ ۱۰ صفر ۱۲۸۹ ق، منبع: روزنامه ایران، ۱۳۷۴، ۳۴۵

اما انتشار این روزنامه چالش‌های دیگری نیز در پی داشت که هریک فصل نوینی در حیات فرهنگی ایران را رقم خواهد زد. در ۴۴ شماره نخست روزنامه ایران ۲۵ بار سرلوحه آن تغییر کرد و در شماره ۴۴ به یک ساختار نسبتاً ثابت دست یافت. هرچند همچنان در شماره‌های آتی تغییرات جزئی در آن پدید می‌آمد اما ساختار کلی آن تثبیت یافت. فضای این سرلوحه تقریباً عاری از جزئیات پرکار تصویری بود و نشانه بکاررفته در این سرلوحه در واقع نخستین نشانه رسمی نشریات ایران است که در آن از طراحی حروف برای خلق عناصر نوشتاری در نشانه استفاده شد.<sup>۳</sup> این نشانه، هویتی آمیخته دارد و عناصر تزئینی پیرامون آن برگرفته از تزئینات وارداتی مشهور به فرنگی است. اما نوشتار ایران در این نشانه، متکی به خود-الگوهای پیشین خوشنویسی طراحی شده و با بروز ویژگی‌های غالب «خود» در این نشانه، می‌توان آنرا به مثابه یک «کریول نزدیک» طبقه‌بندی کرد (تصویر ۱۰). همچنین نخستین فهرست روزنامه‌ها از شماره ۹۹ در روزنامه ایران منتشر شده است که در نوع خود رخدادی مهم در روزنامه‌نگاری ایران است (تصویر ۱۴). (قاسمی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۳۸۵)

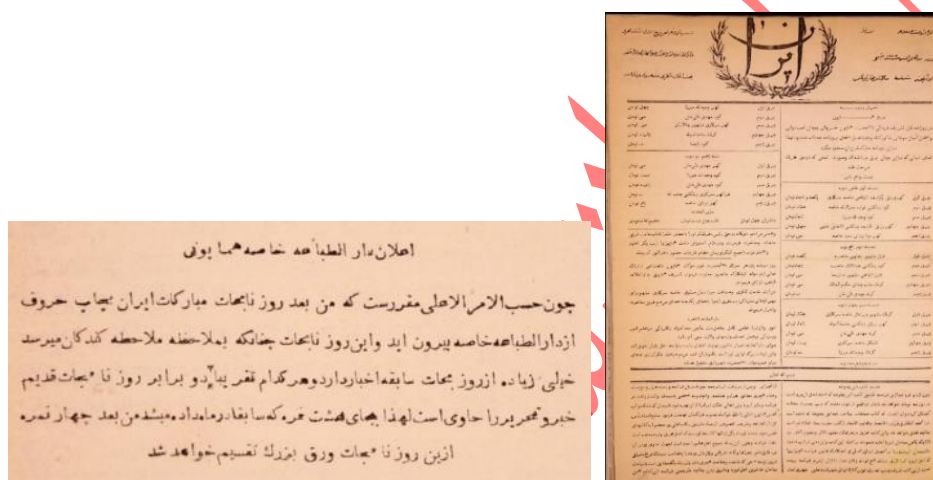


تصویر ۱۴: نخستین فهرست در روزنامه ایران، شماره ۹۹ به تاریخ: بیست و چهارم ربیع‌الاول ۱۲۸۹ ق منبع: کتابخانه ملی ایران URL 3

بدین ترتیب می‌توان فرآیند غلبه نظم ساختاری سیستم را در وضعیت روزنامه ایران به وضوح مشاهده کرد. در این فرآیند در برخی موارد تثبیت موقعیت عناصر در ساختار حافظه و در سپهر نشانه‌ای با اتکا به عناصر «خود»ی و برآمده از حافظه سیستم است و در برخی موارد با اتکا به عناصر آمیخته‌ای است که در تعامل با نیروهای بیرونی پدید آمده‌اند. اما در دوره بعدی اتکا به عناصر وارداتی در انتشار این روزنامه بیشتر خواهد شد که حاکی از تمایل سیستم به جذب «دیگری» را نمایان می‌کند اما به تدریج و مجدداً با مقاومت سیستم مواجه شده است.

## دوره دوم چاپ حروفی: از شماره ۲۱۷ تا ۳۶۲ (از ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۹۱ ق تا ۱۲ شعبان ۱۲۹۵ ق)

در روزنامه ایران درباره انتشار آن به شیوه حروفی آمده است: «چون حسب الامر اعلی مقررست که من بعد روزنامه‌جات مبارکات ایران به چاپ حروف از دارالطباعة خاصه بیرون آید و این روزنامه‌جات... زیاده از... سابقه اخبار دارد... لہذا به جای هشت نمره که سابقاً در ماه داده می‌شد منبعده چهار نمره ازین روزنامه‌جات... تقسیم خواهد شد». (قاسمی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۳۷۹ به نقل از ایران، ۲۱۷)



تصویر ۱۵ راست: صفحه اول از شماره ۲۱۷، نخستین شماره چاپ حروفی روزنامه ایران، منبع: کتابخانه ملی ایران URL 4

تصویر ۱۶ چپ: بخشی از متن شماره ۲۱۷، منبع: همان

روزنامه ایران بوسیله دستگاه چاپی که پیشتر توسط حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۹۰ ه.ق از اروپا تهیه کرده بود چاپ می‌شد و پس از انتشار به شیوه چاپ حروفی ساختار بصری و شیوه روزنامه‌نگاری در آن نیز متحول شد و به سادگی گرائید (آدمیت، ۱۳۵۱، ۳۹۳). پیرو پیدایش آشوب مطبوعات در ادوار اولیه، نوشتار فارسی با مشکلات و معضلات جدیدی مواجه شده بود. مواجهه با این مسائل لزوم درک و ارائه راه‌کارهایی را می‌طلبید که به تدریج موجب خروج برخی هنجارها و ورود مفاهیم جدید به سپهر نشانه‌ای ایران شد. این فرآیند، به مثابه یک توسعه فرهنگی تصویری، نوشتاری، در آغاز با اتکا به خوشنویسی و امکانات آن قابل حل بود اما به تدریج با توسعه نشریات و همچنین آگاهی فعالان این عرصه و شخص شاه به لزوم بهره‌مندی از تکنولوژی‌های نوین آن عصر، تغییراتی در ساختار و شیوه انتشار و ویژگی‌های بصری روزنامه‌ها را ایجاد می‌کرد. در دوره انتشار روزنامه ایران نیز در ابتدا مساله نوشتار مورد توجه بود و لذا این روزنامه با ویژگی‌های بصری خلاصه‌تر از قبل و قابل تهیه در زمانی محدود و با بهره از خوشنویسی منتشر شد. اما علاوه بر دشواری‌های انتشار با استفاده از خوشنویسی در زمانی محدود، انتشار به شیوه چاپ سربی اقدامی در جهت نیل به سوی توسعه فرهنگی و در واقع کوششی برای پذیرش کامل هویت فرهنگی برآمده از «دیگری» به منزله غلبه «آشوب» بر خود-الگوهای فرهنگی در سپهر نشانه‌ای ایران بود.



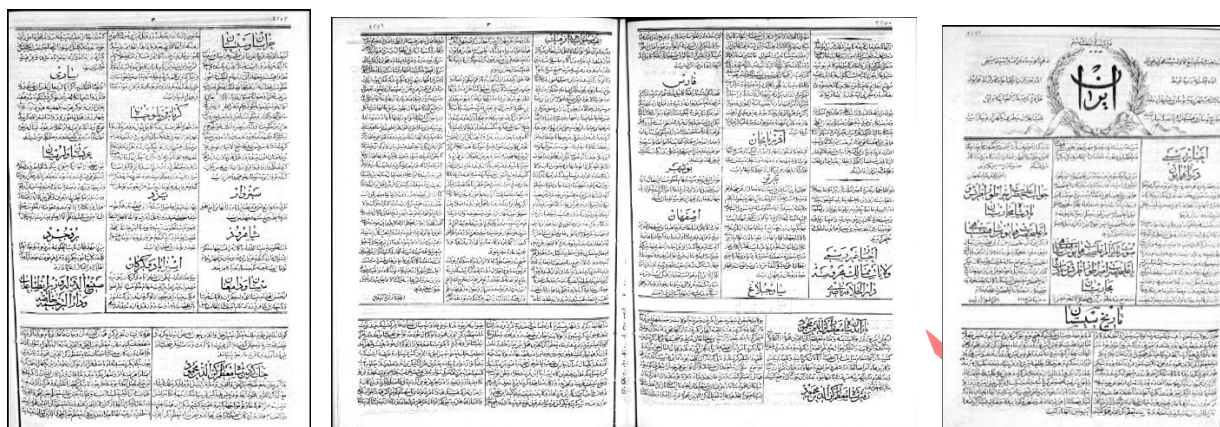
تصویر ۱۷: صفحه اول، دوم و سوم از شماره ۳۶۳ چاپ حرفی، تغییر میان عنوان‌ها به خوشنویسی و متن‌ها به سه ستون نشان از تغییر وضعیت تعادل به سوی عناصر آمیخته دارد، منبع: کتابخانه ملی ایران URL 5

در ادوار انتشار این روزنامه تغییراتی نیز در شیوه انتشار آن پدید آمد. در شمارگان نخست، تمامی متن و میان عنوان‌ها با حروف سری و به شیوه آرایش گذشته روزنامه صفحه‌آرایی می‌شد اما در شماره‌های پایانی آن تعداد ستون‌ها به سه و میان عنوان‌ها به تدریج با استفاده از خوشنویسی ثلث پدید آمد که حاکی از تغییراتی به سوی عناصر «خودی» و تثبیت وضعیت تعادل سیستم به سوی عناصر «آمیخته» اما در وضعیت «دور» دارد. (تصویر ۱۵).

## دوره سوم چاپ مجدد سنگی: از شماره ۳۶۳ تا پایان دوره ناصری (از ۲۶ شعبان ۱۲۹۵ ق تا ذیقعدة ۱۳۱۳ ق)

انتشار روزنامه ایران از شماره ۳۶۳ تا پایان دوره ناصری مجدداً به شیوه چاپ سنگی است اما با تثبیت برخی ویژگی‌های دوره چاپ حرفی. به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین دلیل این بازگشت به شیوه انتشار چاپ سنگی دلایل فنی این روش انتشار بود اما غلبه خود-الگوهای فرهنگی و بازگشت به عناصر مستقر در حافظه نیز نقش برجسته‌ای در این تغییر ایفا کرد.

در چاپ مجدد سنگی ویژگی‌های آرایش متن در سه ستون که در ادوار پایانی چاپ حرفی بکار رفته بود حفظ شده و فقط خط متن و میان عنوان‌ها بوسیله خوشنویسی تهیه شده که نشان از پایداری خود-الگوهای خوشنویسی در ساختار حافظه دارد لذا می‌توان چنین استنباط کرد که به‌سامان‌ترین الگوها در سپهرنشانه‌ای این دوره خوشنویسی است. در این دوره برای نگارش متن از خط نسخ بهره گرفته شده که بیشترین شباهت مورفولوژیک به تایپ را دارد و همچنین سرعت نگارش و امکانات کتابت آن بیش از خوشنویسی نستعلیق است. این تغییر نگرش به مثابه یک سامان‌یافتگی در راستای فهم عملکرد روزنامه‌ها و همچنین تدوین شیوه‌های متناسب برای برطرف کردن نیاز سیستم از الگوهای آمیخته‌ای را نمایان می‌سازد که اصلی‌ترین ویژگی هنر در دوره قاجار است و به شکل بارزی در روند تثبیت زبان بصری روزنامه‌ها آشکار شده است.



تصویر ۱۸: شماره ۵۶۳ روزنامه ایران که مجدداً به شیوه چاپ سنگی منتشر شده است، منبع: کتابخانه ملی ایران URL 6



تصویر ۱۹: بخشی از متن نمره ۳۷۶ در دوره انتشار مجدد به شیوه چاپ سنگی، شباهت متن به چاپ حرفی کاملاً مشهود است. منبع: همان

| نوشته و متن       | سرلوحه |      |         |     | صفحه‌آرایی و آرایش صفحات |      |         |     |
|-------------------|--------|------|---------|-----|--------------------------|------|---------|-----|
|                   | غلبه   |      | آمیختگی |     | غلبه                     |      | آمیختگی |     |
| دوره اول چاپ سنگی | نظم    | آشوب | نزدیک   | دور | نظم                      | آشوب | نزدیک   | دور |
|                   | *      | -    | -       | *   | -                        | *    | -       | *   |
| دوره دوم چاپ حرفی | نظم    | آشوب | نزدیک   | دور | نظم                      | آشوب | نزدیک   | دور |
|                   | -      | *    | -       | *   | -                        | *    | -       | *   |
| دوره سوم چاپ سنگی | نظم    | آشوب | نزدیک   | دور | نظم                      | آشوب | نزدیک   | دور |
|                   | *      | -    | *       | -   | *                        | -    | *       | -   |

جدول ۱: مقایسه غلبه نظم و آشوب و عناصر آمیخته در ویژگی‌های بصری ادوار مختلف انتشار روزنامه ایران، منبع: نگارندگان

## نتیجه گیری

با انتشار روزنامه ایران و از تقابل میان نظم و آشوب به مثابه یک فرآیند دیالکتیکی در سپهرنشانه‌ای مطبوعات قاجار، فصل نوینی از حیات روزنامه‌نگاری ایران آغاز شد. در این دوره، مواجهه با نشریات در سپهر فرهنگی قاجار به عنوان عناصر جدید در بدو امر آشوب و رمبشی را در سیستم پدید آورد اما سرانجام این آشوب با توسل به رویکردی گذشته‌نگر و اتکا به عناصر مستقر در حافظه و ترکیب آن با عناصری برآمده از تعاملات بینا فرهنگی، به نظم و سامان یافتگی تبدیل شد و سیستم برای رفع نیازهای خویش در برخی موارد به خلق زبان بصری آمیخته‌ای روی آورد که در نسبتی سیال میان عناصر «خود» و «دیگری» در نوسان است. در ادوار انتشار روزنامه ایران، افزایش آنتروپی ناشی از غلبه آشوب در درون سیستم در بدو امر موجب ایجاد اختلال در سیستم شد. این اختلال و افزایش آنتروپی در یک سو به بی‌نظمی‌ها و عدم تناسب ساختارها در انتشار روزنامه‌ها وابسته بود ولی سوی دیگر آن در عدم تثبیت جایگاه روزنامه‌ها در سپهر نشانه‌ای عصر ناصری بود. به تدریج و با رفع برخی نواقص و تثبیت بیشتر ویژگی‌های بصری و فنی مطبوعات در سپهر نشانه‌ای، این آشوب نسبتاً به نظمی جدید تبدیل شد و از خلال این فرآیند تثبیت و تبدیل، مفاهیم نوینی در سپهر نشانه‌ای ایران عصر قاجار پدید آمد.

در ادوار انتشار روزنامه ایران پس از مدت‌ها مجدداً سیستم به چاپ حروفی روی آورد. این نخستین بار در تاریخ ایران بود که از چاپ حروفی در انتشار روزنامه استفاده می‌شد. پیشتر سیستم این رویه تکنولوژیک را «طرد» کرده بود اما با رجوع مجدد به شیوه چاپ سربی، تلاش برای تغییر نگرش نسبت به مورفولوژی نوشتار به سوی پذیرش عناصر وارداتی و فرآیند تبدیل آشوب به نظم در جهت «جذب» «دیگری» پدیدار شد. همچنین پذیرش نحوه سازماندهی متن‌ها بر اساس الگوی نشریات غربی در روزنامه ایران، به مثابه یک تغییر دیگر به سوی «دیگری» و در جهت تثبیت و بهره‌مندی از عناصر مولد آشوب، و «فراموشی» «خود» آشکارتر شد. در ادوار گذشته نیز آشوب مطبوعات موجب تغییر در مورفولوژی خوشنویسی برای همگامی با تکنولوژی چاپ و ارائه ترکیب‌بندی‌های متنی و لی‌اوت‌های نوین برای حل مساله سازماندهی متن روزنامه‌ها و ارائه ترکیب‌های نوین برای هم‌نشینی متن و تصویر، استفاده هدفمند از تزئینات نوین برآمده از تعاملات فرهنگی شده بود. لذا به طور کلی می‌توان چنین استنباط کرد که در روزنامه ایران هویت بصری جدیدی در حال تکوین بود که از درهم‌آمیزی سنت‌ها و خود-الگوهای مستقر در مرکز با عناصر وارداتی برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های درونی و ترکیب آن با نیروهای بیرونی پدید آمد و هدف آن رفع نیازهای سیستم به شکلی مفیدتر و کارآمدتر بود. این زبان بصری درصدد ارائه راهکاری نوین برای رفع برخی مشکلات درونی آن دوره روزنامه‌ها بود که برخی از این موارد عبارتند از: عدم تناسب شیوه‌های نگارش با تعداد شمارگان روزنامه با توجه به صرف وقت فراوان برای تهیه نسخه‌های مکتوب با خط نستعلیق، رفع مشکلات تصویرگری در روزنامه، ارائه رویکردی متناسب با مشکلات فنی در چاپ سنگی و حروفی، جایگزینی یک روزنامه واحد به جای چندین عنوان روزنامه، برقراری نظم انتشار روزنامه دولتی و ... همچنین اصلاح برخی تجربه‌های گذشته در انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه و روزنامه دولت علیه ایران و روزنامه‌های دولتی دیگر مانند: ترکیب‌های پیچیده متنی و خوشنویسی فاخر پرکار برای عنوان‌های درون متن، مصور بودن نسخ در این روزنامه ممکن شد و شیوه انتشار این روزنامه به مثابه یک الگو، تا پایان دوره ناصری مورد استفاده در سایر نشریات دولتی قرار گرفت.

## منابع و مآخذ

- اثنی عشر، نفیسه (۱۴۰۲). گذری بر بازتاب‌های اجتماعی تصویر ناصرالدین‌شاه در مطبوعات مصور درباری (مورد مطالعاتی تصویر ناصرالدین‌شاه در نمره ۱ روزنامه شرف). پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱۳ (۳۹): ۳۲۷-۳۴۸.  
<https://doi.org/10.22084/nb.2023.27284.2543>
- احمدی، پریسا و بیگزاده، خلیل (۱۴۰۲). تحلیل رمان‌های مهاجرت بها طاهر بر پایه کاسموس/نظم و خائوس/آشوب (مطالعه موردی: رمان مهاجرت «عشق در تبعید» و مجموعه داستان «زمستان ترس»). ادب عربی، ۱۵ (۲): ۲۲-۱.  
<https://doi.org/10.22059/JALIT.2022.342286.612544>
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار. تهران، انتشارات خوارزمی.
- افتخاری‌یکتا، شراره؛ محمدزاده، مهدی و نصری، امیر (۱۳۹۸). تحلیل گفتمانی نحوه قرارگیری بدن فتحعلیشاه و بدن ناصرالدین‌شاه در سپهر نشانه‌ای قاجار. دوفصلنامه علمی مطالعات تطبیقی هنر، ۹ (۱۸): ۱۲۱-۱۳۶.  
<https://doi.org/10.29252/mth.9.18.121>
- افتخاری‌یکتا، شراره؛ نصری، امیر و محمدزاده، مهدی (۱۴۰۲). مفهوم جایگاه بدن ناصرالدین‌شاه در تالار آیین کمال‌الملک بر مبنای نظریه یوری لوتمان. فصل‌نامه علمی نگره، ۶۵: ۱۶۹-۱۷۹.  
<https://doi.org/10.22070/negareh.2021.5018.2366>
- افضل طوسی، عفت‌السادات و محمدخانی، الهام (۱۳۸۹). ویژگی‌های بصری روزنامه‌های دوره قاجار در گذار از چاپ سنگی به چاپ سربی. گنجینه اسناد، ۷۸: ۷۱-۸۷.
- بیگزاده، خلیل؛ احمدی، پریسا؛ جبری، سوسن و نادری فر، عبدالرضا (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی آشوب و نظم در رمان‌های چاه بابل و واحه غروب بر پایه الگوی نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان. پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی، ۵ (۹): ۷۷-۱۰۲.  
<https://doi.org/10.30465/lir.2022.39178.1425>
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۳). مفاهیم متقابل طبیعت و فرهنگ در حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب تارتو/مسکو. مجموعه مقالات هم-اندیشی‌ها، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر: ۱۷۹-۲۰۴.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۰). معناسازی با چپ‌نویس آشوب در نظم در رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی. منتشر شده در: نجومیان، امیر علی (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی فرهنگ (ی). تهران، انتشارات سخن: ۸۷-۱۱۸.
- پنجه‌باشی، الهه و دادور، ابوالقاسم (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی سرلوحه شماره‌های نخست روزنامه‌های وقایع اتفاقیه و دولت علیه ایران. دو فصلنامه علمی مطالعات تطبیقی هنر، ۳ (۵): ۹۱-۱۰۲.
- حقایق، آذین و مهنار شایسته فر (۱۳۹۳). تقابل «خود» و «دیگری» در دوناگره از شاهنامه شاه تهماسب و شاهنامه شاه اسماعیل دوم، تحلیلی بر مبنای الگوی نشانه‌شناسی فرهنگی. فصلنامه کیمیای هنر، ۳ (۱۲): ۶۶-۵۱.
- روزنامه ایران (۱۳۷۴). تهران، انتشارات کتابخانه ملی ایران.
- روزنامه دولت علیه ایران (۱۳۷۰). تهران، انتشارات کتابخانه ملی ایران.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۷۴). تهران، انتشارات کتابخانه ملی ایران.
- سمینکو، الکسی (۱۳۹۶). تارو بود فرهنگ، درآمدی بر نظریه نشانه‌شناختی یوری لوتمان. ترجمه: حسین سرفراز. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران. اصفهان، انتشارات کمال.
- طایفی، شیرزاد و سهرابی، زهره (۱۴۰۰). نقد نشانه‌شناختی کارکرد آشوب در نظم در باب اول گلستان سعدی. مطالعات زبانی و بلاغی، ۱۲ (۲۶): ۲۸۵-۳۱۴.  
<https://doi.org/10.22075/jlrs.2021.24063.1958>
- فرقانی، محمد مهدی و حمزه‌ئی، مهدیه (۱۳۹۲). بازتاب مولفه‌های فرهنگ مدرن در مطبوعات عصر قاجار (بررسی روزنامه وقایع اتفاقیه و اختر). فصل‌نامه علوم اجتماعی، ۶۱: ۱۴۶-۱۸۳.  
<https://doi.org/10.22054/qjss.2013.9800>

- قاسمی، سید فرید (۱۳۸۰). *سرگذشت مطبوعات ایران، روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه*. تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۰). *تاریخ فلسفه*، جلد یکم: یونان و روم. ترجمه: سید جلال‌الدین مجتبی‌ی تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ال‌گونه جونقانی، مسعود (۱۳۹۴). *پژوهشی درباره ساختار اثر هنری از چشم‌انداز لوتمان*. فصلنامه تخصصی نقد ادبی، ۸ (۳۱): ۳۹-۱۵.  
<https://doi.org/20.1001.1.20080360.1394.8.31.4.9>
- لاروسو، آنا ماریا (۱۳۹۸). *نشانه‌شناسی فرهنگی، جستجوی منظری فرهنگی در نشانه‌شناسی*، ترجمه: حسین سرفراز. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- لوتمان، یوری (۱۳۹۷). *فرهنگ و انفجار*. ترجمه: نیلوفر آقابراهیمی. تهران، انتشارات تمدن علمی.
- لوتمان، یوری و اوسپنسکی، بی. ای (۱۳۹۶). *در باب ساز و کار نشانه‌شناختی فرهنگ*، ترجمه: فرزانه سجودی، منتشر شده در: سجودی، فرزانه (۱۳۹۶). *نشانه‌شناسی فرهنگی*. تهران، نشر علم: ۴۱-۷۴.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶). *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*. تهران، موسسه انتشارات بعثت.
- Lotman, Yuri. 1977. *The Structure of The Artistic Text*, Translated by: Ronald vroom, Michigan Slavic Contributions. University of Michigan. USA.
- Lotman, Y. (1990). *Universe of the Mind*. Translated by Ann Shukman. London, I.B Tauris Publishers, London, UK.
- Andrews, Edna. (2015). *The importance of Lotmanian semiotics to sign theory and the cognitive neurosciences*. Sign System Studies, 43(2/3), 347-364, Doi: 10.12697/SSS.2015.43.2-3.10.
- Tamm, Mark. (2019). *Culture, Memory and History, Essays in Cultural Semiotics*, palgrave macmilan, Switzerland, published by the registered company Springer Nature Switzerland AG.  
<https://doi.org/10.1007/978-3-030-14710-5>
- Kellbert, Eugenia, (2021). *Entropy as a trope: Yuri Lotman's general theory of communication as a case study in interdisciplinarity*. World Literature Studies, 4(13), 55-70.  
<https://doi.org/10.31577/WLS.2021.13.4.5>
- Noth, Winfried, *Topography of Yuri Lotman Semiosphere*. (2015). International Journal of Cultural Study.18(1), 11-26. <https://doi.org/10.1177/1367877914528114>

#### URL:

- URL1: <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/66474>
- URL2: <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/43350>
- URL3: <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/77760>
- URL4: <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/77816>
- URL 5: <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/77968>
- URL 6: <https://sana.nlai.ir/handle/123456789/76967>

#### پی‌نوشت‌ها

- <sup>۱</sup>. دمیورژ Demiurge یا صانع، مفهومی است که افلاطون به عنوان علت فاعلی جهان در مقابل نگاه مادی‌گرای فیلسوفان پیش از خود مانند طالاس و آناکسیمنس و هراکلیتوس ارائه کرد. در نظر افلاطون این صانع جهان را از عدم خلق نکرده است بلکه آن را از بی‌نظمی و آشفتگی (Chaos) نجات داد و بر اساس طرح و نقشه‌ای قبلی منظم کرد و مهم‌ترین ویژگی صانع، ناظم بودن اوست.

<sup>۲</sup>. افلاطون در آثار دوران سالخوردگی‌اش در رساله تیمائوس به مفهوم دمیورژ اشاره کرده است و مقصود او از این مفهوم اشاره به صانع عالم است. در نظر او دمیورژ اشکال هندسی را به کیفیات اولیه در مکان ارائه می‌کند و بدین سان بی‌نظمی را به نظم در آورده است و جهان مادی تنها بازتابی از این نظم ایده‌آل است. برای مطالعه بیشتر رک: کاپلستون، ۱۳۸۰، ج ۱، صص: ۲۲۰

<sup>۳</sup>. Cultural Semiotic

<sup>۴</sup>. Yuri Lotman

<sup>۵</sup>. Order- Cosmos

<sup>۶</sup>. Chaos

<sup>۷</sup>. سپهر نشانه‌ای (Semiospher) در واقع برآمده و متأثر از مفهوم سپهر زیستی ورنادسکی است که در این نظریه برای تبیین ویژگی‌های فرهنگ به مثابه سیستم بکار رفته است. برای مطالعه بیشتر رک: سمینکو، ۱۳۹۶، ۱۹ صص: ۳۳-

<sup>۸</sup>. Entropy

<sup>۹</sup>. در این باره آثار لوتمان بر میراث یاکوبسن (Roman Jakobson) و باختین (Mikhail Bakhtin) بسیار متکی است اما شرح و بسط او از مقوله فرهنگ، نظریه او را در زمینه نشانه‌شناسی فرهنگی از تاملات و تفکرات یاکوبسن و باختین متمایز می‌کند. برای مطالعه بیشتر نک: لاروسو، ۱۳۹۸، ۷۱-۱۴۵

<sup>۱</sup>. Culture

<sup>۷</sup>. Margin

<sup>۷</sup>. Center- Norm

<sup>۱</sup>. Self

<sup>۱</sup>. Another

<sup>۱</sup>. None-culture

<sup>۱</sup>. Dialectic

<sup>۷</sup>. Static

<sup>۷</sup>. Dynamic

<sup>۱</sup>. Cybernetic

<sup>۲۰</sup>. این تأثیرات پس از پایان یافتن دوران استالین و با ترجمه آثار نوربرت وینر (Norbert Wiener) و رز آشی (Ross Ashby) آغاز شد. برای مطالعه بیشتر درباره تاریخچه سایبرنتیک در اتحاد جماهیر شوروی رک: سمینکو، ۱۳۹۶

<sup>۱</sup>. Andrey Nikolaevich Kolmogorov

<sup>۷</sup>.  $H=h_1+h_2$

<sup>۲۲</sup>. وضعیت آشوب در سیستم ممکن است در اثر کنش‌های عناصر داخل سیستم نیز خلق شود و صرفاً به حضور عناصر بیرونی متکی نیست. برای مطالعه بیشتر رک: لوتمان، ۱۳۹۷

<sup>۲۴</sup>. این تفکر نزد متفکرینی چون باراتینسکی (Yevgeny Baratynsky) و مرژکوفسکی (Dmitry Merezhkovsky) وضعیت انسان نخستین پیش از پیدایش مظاهر فرهنگی را توصیف می‌کند. یعنی انسان در ذات طبیعی‌اش خائوس در هیات فرهنگی و خردمندش کاسموس است. برای مطالعه بیشتر رک: پاکتچی، ۱۳۸۳، ۱۷۹-۱۹۵

<sup>۲۵</sup>. این عناصر برآمده از خود-الگوهای پیشینی است که حافظه سیستم را شکل داده و اصلی‌ترین عناصر برساننده هویت هستند.

<sup>۲۶</sup>. Chaotic

<sup>۲۷</sup>. Cosmic

<sup>۲۸</sup>. Cosmotic

<sup>۲۹</sup>. Self- model

<sup>۳۰</sup>. لوتمان معتقد است در این فرآیند «خود-الگوهایی» وجود دارد که مقولات انفجاری برای تدریجی شدن در نسبت با «خود فرهنگی» به یکی از آنها تبدیل می‌شوند. این الگو می‌تواند در سه شکل پدیدار شود. خود الگوی فرهنگی نتیجه مسیر نخست و هدف آن، دستیابی به بیشترین شباهت به فرهنگ به‌راستی موجود است. دوم اینکه، ممکن است خود-الگوهایی فرهنگی ظهور یابند که با رویه فرهنگی معمولی متفاوت اند و حتی ممکن است برای تغییر آن رویه طراحی شده باشد. (لوتمان، ۱۳۹۷: ۱۸) سوم اینکه، خود-الگوهایی فرهنگی وجود دارند که به عنوان یک خودآگاهی فرهنگی آرمانی، جدای از فرهنگ و بدون گرایش به آن ادامه حیات می‌دهند (همان، ۱۹).

<sup>۳۱</sup>. از آنجایی که در نظریه لوتمان متن به مثابه سیستم و سیستم به مثابه متن در نظر گرفته می‌شود می‌توان این وضعیت را درباره هر موجودیت نشانه‌ای سیستمی در نظر گرفت. اگر این وضعیت برای نشانه‌ها در متن و یا اثر هنری محقق شود یعنی امکان فهم صحیح گزاره‌ها ممکن نمی‌شود و وضعیت آنتروپیک ادامه می‌یابد که موجب گسست متنیّت خواهد شد. برای مطالعه بیشتر رک: Lotman.1977,pp: 25-28

<sup>۳۲</sup>. Creole

<sup>۳۳</sup>. آمیختگی یا کریول اساساً اصطلاحی است که در زبان‌شناسی درباره زبان‌های مرکب بکار می‌رود اما در نظریه نشانه‌شناسی فرهنگی برای توصیف درهم‌آمیزی رمزگان‌های مختلف درون فرهنگ و سپس تثبیت آنها بکار می‌رود.

<sup>۳۴</sup>. با ورود فناوری چاپ و انتشار اولین روزنامه فارسی علاوه بر رشد آگاهی طبقات گوناگون اجتماعی و پدیداری تحولات سیاسی، فرهنگی و هنری، آغاز رسمی هنر گرافیک ایران نیز شناخته می‌شود برای مطالعه بیشتر رک: افشارمهاجر، ۱۳۹۱، صص: ۸۵-۹۶

<sup>۳۵</sup>. لازم به ذکر است که «روزنامه وقایع اتفاقیه» در شماره نخست با نام «روزنامه اخبار دارالخلافة طهران» منتشر شده است و از شماره‌های بعد تغییر نام داد.

- <sup>۳۶</sup>. از شماره‌های روزنامه ایران که تقریباً به صورت منظم منتشر می‌شد، ۸۸۰ شماره در دوره سلطنت ناصرالدین شاه منتشر شده است و بقیه شماره‌های آن متعلق به دوره مظفری است. از این شمارگان ۸۷۸ شماره با مدیریت اعتمادالسلطنه و دو شماره با مدیریت محمد باقر ادیب‌الممالک منتشر شده است. برای مطالعه بیشتر رک: قاسمی، ۱۳۸۰ ج ۱ صص: ۴۷-۸۴ و ج ۲ صص: ۱۳۷۳-۱۴۲۸
- <sup>۳۷</sup>. به نظر می‌رسد که افراد فوق به انضمام مجموعه‌ای از مولفین و مترجمین که از آنان در سمت‌های گوناگون در نشریه نام برده شده، زیر نظر اعتمادالسلطنه در دارالطباعة و وزارت انطباعات در انتشار سایر نشریات این دوره نیز همکاری داشته‌اند.
- <sup>۳۸</sup>. انتصاب حسین خان سپهسالار به صدارت در سال اول انتشار این روزنامه صورت گرفت.
- <sup>۳۹</sup>. دوره صدارت حسین خان سپهسالار یکی از مهم‌ترین تلاش‌های دوره ناصری برای ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار سیستم بود. هرچند اقدامات او همپای اصلاحات امیرکبیر نبود اما در یک نگاه منصفانه بسیار حائز اهمیت و تاثیرگذار بود. خبر انتصاب ایشان در روزنامه ایران، ش ۵۳، چهارشنبه ۸ رمضان ۱۲۸۸ ق ص: ۲ درج شد. برای مطالعه بیشتر درباره این دوره رک: آدمیت، ۱۳۵۱
- <sup>۴۰</sup>. پیشتر ناصرالدین شاه دستور داده بود تا مانند اروپا تعداد روزنامه‌ها مکرر شود اما پس از مدتی وضعیت نابسامان شد به طوری که تغییر مکرر نام‌ها و تعدد عناوین روزنامه‌ها حکایت از این مساله دارد و پس از این فرمان روزنامه دولتی و علمی و ملتی تعطیل و روزنامه «ایران» جایگزین آنها شد. برای مطالعه بیشتر رک: قاسمی، ۱۳۸۰، ج ۱
- <sup>۴۱</sup>. لوتمان در کتاب فرهنگ و انفجار به تبیین چگونگی پیدایش مولفه‌های انفجاری در سیستم پرداخته و معتقد است که هر فرهنگ برای پذیرش این مولفه‌ها، بایستی آن را تدریجی کند. برای مطالعه بیشتر رک: لوتمان، ۱۳۹۷
- <sup>۴۲</sup>. نوشتار کلمه ایران در این نشانه برخلاف نشانه‌نویشته «روزنامه دولت علیه ایران» که به صورت مستقیم از خوشنویسی نستعلیق بهره گرفته بود و نخستین نشانه نوشته روزنامه‌های فارسی داخل کشور محسوب می‌شود، نسبتاً از معیارهای خوشنویسی عبور کرده و به یک فضای متأثر از آن دست یافته است.

## The Realization of the Binary Opposition of Cosmos/Chaos in the Visual Properties of "Iran" Newspaper during the Nasserid Period

### Abstract

---

Cosmos and Chaos are among the most significant dialectical binary oppositions in Lotman's semiotic theory, revealing a systematic relationship between signs and either culture or non-culture. The historical background of this opposition traces back to ancient Greek thought, where it was believed that the gods transformed chaos/disorder into order and beauty. Plato attributed this concept to the Demiurge, who, in the contemplation of the realm of ideals, organized the chaotic and disordered material world. In Lotman's Cultural Semiotics, the concept of order is utilized to elucidate the established characteristics of culture as collective memory raising awareness, while, chaos emerges that the system experiences discontinuity. This state may be rectified by referring to the process where a structured memory allows the elements that caused chaos to be integrated and understood within the system. It therefore provides the emergence of new concepts within the culture.

The publication of the first Persian newspapers during the Qajar period, resulting from intercultural interactions, initiated a new phase of cultural transformations in Iran. The encounter with an unfamiliar cultural environment, represented in newspapers, is recognized as a source of chaos within the Iranian Semiosphere. Consequently, it is supposed that the visual characteristics of newspapers from this era, regarded as a semiotic space, were influenced by this chaos, reflecting efforts to establish a new visual representation that could meet the demands of newspaper publication. However, with the political and social changes during the later periods of Nasir al-Din Shah's reign, the publication of newspapers also transformed, facing new challenges and forms of "chaos". The launch of the "Iran" newspaper marked the beginning of a new era of visual transformations in newspapers of this time. This research attempts to investigate how the signs of cultural cosmos and chaos emerged in the semiotic sphere of the press during Nasir al-Din Shah's reign, analyzing the visual characteristics of the "Iran" newspaper based on the binary opposition of cosmos and chaos. To this end, the study presents an analytical model for understanding the dynamics of the binary opposition of cosmos/chaos within a semiotic sphere, elucidating the visual characteristics of this newspaper while addressing two primary questions: First, how does the interaction between cosmos and chaos within a semiotic sphere facilitate the comprehensibility of cultural elements? Second, how is this binary opposition reflected in the visual characteristics of the "Iran" newspaper?

This paper is exploratory in nature while it employs a descriptive-analytical methodology, utilizing Lotman's cultural semiotics approach. The data collection was gathered from documentary sources, meanwhile; the research samples were selected purposefully from all the issues of the "Iran" newspaper. The findings indicate that the visual characteristics of the "Iran" newspaper were established through a historical process resulting from the interplay between the cosmos and chaos in the semiotic sphere of Iran. In this evolution, certain prior norms were prioritized over others in addition to the new standard which was constructed by confronting a cultural other in the publication of "Iran" newspaper. Consequently, it achieved a hybrid identity formed through engagement with the cultural other and amalgamation with self-referential cultural patterns.

**Keywords: Cultural Semiotics; Cosmos/Chaos; Entropy; Qajar Publication; Iran Newspaper**